



تصویر شماره ۲

نقش مایه‌های گرافیکی و مذهبی خیمه‌ها در حسینیه و تکایای یزد

دکتر علی اکبر شریفی مهرجردی

استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

محمدعلی دادخواهی

کارشناس ارشد پژوهش هنر

چکیده:

حسینیه مکانی برای عزاداری، گردهمایی هیئت‌های محلی و مراسم روضه خوانی در ماه محرم است. این مکان بار فرهنگی و معنوی شاخصی نسبت به سایر محل‌های مذهبی دارد که در ایام محرم با تزئینات موقتی مانند پوش و یاپارچه‌های دیگر چهره‌ای متفاوت پیدامی‌کند. عمده این تزئینات پوش است که سقفی موقت برای اجتماعی از مردم است و از نظر سبلیک اشاره به خیمه‌های حضرت سیدالشهداء (ع) دارد. جداره‌ها و پایین پوش نیز با کتیبه‌هایی از پارچه‌های ساده مزین به اشعار محتشم کاشانی، سیاه‌پوش می‌شود. این مقاله تلاش دارد با روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و میدانی به معرفی پوش حسینیه‌ها در یزد و بررسی نقوش اجرا شده در سطح خیمه‌گاه و مفاهیم نمادین آن بپردازد.

مقدمه:

حسینیه‌ها یکی از پایگاه‌های مردمی و محل تجلی روح خلوص و ارادت هستند و در اکثر محله‌ها وجود دارند. ضمناً مکانی برای عزاداری و گردهمایی هیئت‌های محلی برای انجام مراسم روضه خوانی و دیگر مراسم محرم نیز هستند. معمولاً حسینیه‌ها موقفاتی داشته‌اند که براساس آن موقوفه در وقت خاص از سال مراسمی با انجام نذری در آنها برگزار می‌شده است.

«از وجه مشترک آئین‌های سوگواری محرم در [یزد و حتی سراسر ایران] مکان‌گرایی است که در انتخاب یک مکان ویژه برای برگزاری مراسم روز عاشورا متجلی می‌شود. این مکان بار فرهنگی و معنوی جداگانه‌ای از سایر مکان‌ها دارد. انتخاب آن برای جای گیر شدن و داشتن مکانی برای انجام مراسم نیست. چه بسا که از لحاظ گنجایش اتفاقاً جای بس تنگ و کوچک باشد. به طوری که سوگواران در آنجا قادر به توقف نباشند و از آن در حدیك گذرگاه استفاده کنند. اما این یک منسك است و دسته‌های عزادار باید حتماً خود را به آنجا برسانند و تا وقتی به این مکان نرسیده‌اند، مثل این است که در انجام عمل واجبی یکی از ارکان را ترک گفته باشند. گاه به نظر می‌آید انتخاب این مکان با دو عامل زیر پیوند دارد:

۱- امامزاده یا یارتگاه باشد.

۲- واقف یکی از نهادها، مثل نخل یا علم یا وصیت خود مردم را ملزم و مکلف به رفتن و بردن آن نهاد به آن مکان کرده باشد. «مثل بردن نخل» (جانب‌الهی، ۱۳۷۶: ۱۳۵-۱۳۶) در حسینیه یا امامزاده‌ای که احیاناً مرکز ثقل آنجاست.

«به طور کلی مکان‌های برگزاری مراسم محرم، یکی از نهادهای فرهنگی مشخص مثل تکیه، میدان، حسینیه، مسجد و امامزاده، بازار یا بازارچه است.

بخش‌های یک حسینیه یا تکیه عبارتند از:

۱- تقاء: (Taqqā) سکو، ایوان‌هایی است که در هر ضلع دور تا دور میدان ساخته شده است. سطح آن حدود یک متر بالاتر از کف قرار دارد. طول و عرض تقاء ۲×۳ متر و ارتفاع دهانه‌ی آن حداقل

در مجموع می‌توان گفت، نقش مایه‌های موجود در سطح پوش و خیمه‌ی حسینیه‌ها در یزد، دارای ارزش‌های نمادین و آیینی هستند که ریشه در فرهنگ و باورهای شیعی دارد. این تداخل شکل و رنگ و هماهنگی آن در بنای، تکایا و حسینیه‌ها و نقوش نصب شده در سقف خیمه و حاشیه‌ها، حالتی معنوی را بیان می‌کند.



سه متر است.

۲- غرفه یا به اصطلاح قلفه (Qolfa): طبقات بالایی تقاء است که طول و ارتفاع کمتری دارد.

۳- تکیه در وسط ضلع جنوبی [حسینیه] به پهنای یک تا سه غرفه است که دو طبقه‌ی دیگر هم به آن افزوده‌اند که یک طبقه‌ی آن غرفه‌ی حقیقی و طبقه‌ی چهارم نمای غرفه است... که در ایام محرم با همان تزئینات نخل، آئینه‌بندان می‌کنند.

۴- کلک (Kalak): ستونی منشوری شکل و میان تهی به ارتفاع دو متر که در وسط میدان بنا کرده‌اند. در

قدیم شب‌ها با افروختن آتش در بالای آن فضای میدان را روشن می‌کردند. (همان: ۱۳۷)

۵- نخل: هر میدان یک نهاد مقدس به نام نخل یا به اصطلاح نقل (Naql) هم دارد. نخل، اسکلت چوبی عظیمی است که پهنای آن به ۵ تا ۶ متر می‌رسد. در اصل دو صفحه‌ی چوبی مشبک به شکل قلب یا عدد ۵ است که با تیرهای چوبی متعددی به هم متصل شده، روی چهار پایه یا به اصطلاح پاده‌ی (Pada) ضخیم مستقر است. (همان: ۱۳۷-۱۳۸)

«تکیه قبلاً شاه‌نشین میدان محسوب می‌شد... تکیه همان شأن منبر را در مساجد دارد و کلیه‌ی مراسم در جلو آن برگزار می‌شود. در قدیم کارکرد دیگری نیز داشت، مثلاً دیوارهای بلند آن به عنوان برج راهنما محسوب می‌شد و بیرقی با ارتفاع ۵ تا ۶ متر در بالای تکیه نصب می‌کردند که شب‌ها با طناب، فانوس به آن می‌آویختند تا کاروانیان شب‌روا راه خود را گم نکنند.» (همان: ۱۳۸)

«تقاء و غرفه از ارکان [حسینیه] است که برای استفاده‌ی ناظران و شاهدان مراسم ساخته شده است. بخش بندی آن از این قرار بود که مردان از تقاء و زنان از غرفه استفاده کنند. تقاء و غرفه‌ای که به تکیه و دروازه‌ای که دسته‌ها از آن وارد می‌شود، موقعیت مناسب‌تری دارد. لذا هر چه از این دو عنصر دورتر باشد کمتر مورد توجه است.» (همان: ۱۳۸)

مراسم در حسینیه‌ها

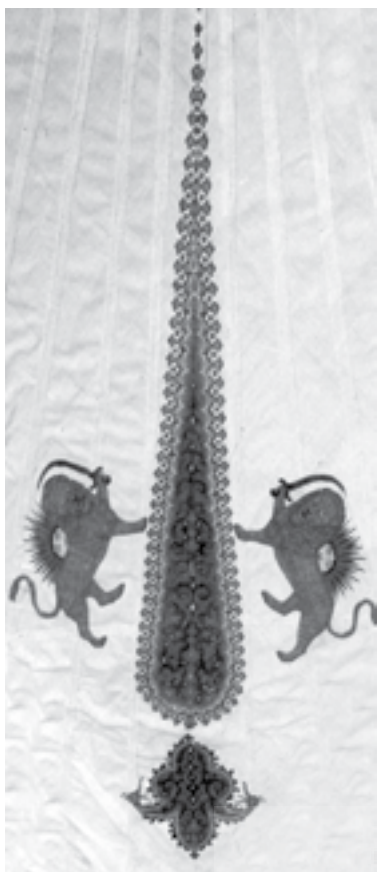
حسینیه‌ها با توجه به وسعت و امکانی که برای گردهمایی داشته‌اند، علاوه بر برپایی عزاداری در برگزاری دیگر مراسم هم مورد استفاده قرار می‌گیرند. با توجه به سادگی ساختاری که دارند، قابلیت تعویض نقوش داخلی جهت برپایی جشن‌ها را نیز دارند... مثلاً در حسینیه‌ی خلف باغ یزد در شب عید سعید مبعث، مراسم جشن برگزار شده، از مردم پذیرایی می‌شود که نماهای حسینیه‌نهادهای داخلی را با قالبی تزئینی نظیر آئینه‌شمعدان‌ها، گلدان‌ها و گل‌های مصنوعی زینت داده‌اند. حسینیه‌ها جدای از مراسم با توجه به قدامت خاصی که دارند و از طرفی چون یک فضای باز شهری محسوب می‌شوند که در ارتباط مستقیم با معبر است، می‌تواند فضای مکث مناسبی برای گروه‌های مختلف سنی و انواع دیگر ارتباطات اجتماعی باشد. (تصویر شماره ۲)

تزئینات داخلی حسینیه‌ها

با وجود آنکه در اکثر بناهای مذهبی مثل مساجد تزئینات زیادی وجود دارد، در حسینیه‌ها چنین مواردی به ندرت موجود است. علت اصلی این است که حسینیه‌ها اغلب برای ایام خاص سال مورد استفاده قرار می‌گیرند و در اغلب ایام دیگر یک فضای باز شهری یا روستایی تلقی می‌شوند. از طرفی چون دارای مبلمان داخلی متغیری هستند، در همان ایام به خصوص نیز به خوبی می‌توانند چهره‌ی آن‌ها تغییر پیدا کنند و با تزئینات موقتی که با پوش و یا پارچه‌های دیگر در حسینیه ایجاد می‌شود، چهره‌ی فضا بکلی عوض خواهد شد. این تزئینات شامل پوش که سقف موقت برای اجتماعی از مردم است که از نظر سبلیک اشاره به خیمه‌های حضرت سیدالشهداء (ع) دارد و همچنین کتیبه‌ها که پارچه‌های ساده مزین به اشعار محتشم کاشانی یا دیگران است، با خط نستعلیق نوشته شده و در ایام محرم و سوگواری در جداره‌ها و پایین پوش حسینیه‌ها و تکایا که در آن‌ها اقامه‌ی عزامی می‌شود و سیاه‌پوش می‌کنند، نصب می‌شود. (تصویر شماره ۳)

نشانه‌های نمادین و محرم

«مراسم ماه محرم از دل فرهنگ تشیع برخاست و در صورت‌های گوناگون در ابعاد زمان و مکان، جلوه‌های نمایان و مشخص، در سرزمین‌های حوزه‌ی فرهنگ ایرانی پیدا کرد. جریان سرخ عاشورا در رگ و پی سنت‌های کهن نیز نشست و همه‌ی آن ارزش‌هایی را که شایسته‌ی تداوم در جریان فرهنگ بود، با خود همراه کرد و به این ترتیب بر محور بینش و جهان‌بینی مردمان این سرزمین،



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۳

مراسم ماه محرم، جلوه‌گاه ملموس نبرد نور و ظلمت و نهادستیز داد، و بیداد شد و رویارویی حق و باطل را در نمونه‌ی شکوهمند عاشورای کربلا به نمایش گذاشت. بنابراین مراسم ماه محرم در کلیت خود یک نهاد است.» (میرشکرانی، ۱۳۷۶: ۹)

«فرهنگ مجموعه‌ای نظام دار و به اصطلاح سیستمی است که هر یک از اجزاء و عناصر آن، در رابطه‌ای متقابل و سازمان یافته، با عناصر و اجزاء دیگر و با کل مجموعه، نقش خود را ایفا می‌کند و خود نیز به همین ایفای نقش زنده است. مراسم و آئین‌ها، عناصر فرهنگی سیال هستند که به تبع کیفیت خود با همه‌ی اجزا و مجموعه در تماسند و فرهنگ و جامعه را استواری و استحکام می‌بخشند. مراسم در میان مجموعه عناصر فرهنگ از جمله این نقش و وظیفه را دارند که آن جان‌یافته را در وجود همه‌ی عناصر بدمند.

محرم و رنگ‌های نمادین

یکی از مباحثی که در قلمرو تعزیه و روضه‌خوانی، از نظر زیبایی‌شناسی و تجسم ظاهر اولیاء و اشقیاء و ابزار مجالس شبیه‌خوانی مورد توجه است، عنایت به تلون رنگ‌ها در جامه‌های: بیرق‌ها، یراق‌ها، تن‌پوش‌ها، خیمه‌ها، سربندها و... می‌باشد که هم از دیدگاه صوری قابل تأمل بوده و هم از نقطه نظر نمادین بودن رنگ‌ها در تحریر عزانامه‌ها شایسته‌ی پژوهش و تفکر است.



تصویر شماره ۴

کاتبان غمنامه‌ها در تجلی سیمای قدیسین و معصومین بر پرده‌های مصیبت یاد در تحریر سرآمدهای آنان، به زبان سهلیک از مفهوم رنگ بحث کرده‌به صورت تمثالی، البسه‌ی رنگین برتن موافق خوانان و مخالف خوانان تعزیه پوشانده و به شیوه‌ی تمثیلی، تضاد و تقابل رنگ را وسیله‌ی تفکیک اولیاء و اصفیاء از اشقیاء قرار داده‌اند.

یک طرف رنگ خیمه‌های سبز و سیاه و نیلی حسین بن علی (ع) گسترده شد، سوی دیگر چادر سرخ رنگ ابن سعد برافراشته و غلغله‌ای در میدان افتاده و رنگ لباس‌ها چشم‌ها را خیره ساخته است گویی رنگین کمان بر شن زار داغ نینوا اطراق کرده است (حسینیه در چند کلام) محلی که برای عزاداری سیدالشهداء (ع) به‌ویژه در ایام عاشورا ساخته و برپا می‌شود. در بیشتر حسینیه‌ها به اقتضای فصل، چادرهایی بزرگ برافراشته که در واقع سقف این گونه حسینیه‌ها به شمار می‌رود. پارچه‌هایی سیاه که اشعاری در سوگ خاندان امام حسین (ع) بر آن نقش بسته است و علامت و شکل مخصوص حسینیه نیز در جایی از آن قرار می‌گیرد.

هر تکیه علامتی و ویژه علمی ممتاز از بقیه‌ی تکیه‌ها برای خود دارد. بیشتر تکیه‌ها بر گذرگاه‌ها و راه‌های رفت و آمد مردم ساخته می‌شود. در هر تکیه به یادبود تشنگی شهیدان کربلا، سقاخانه‌ای بنا می‌شد. بعدها در کنار تکیه‌ها، محل‌هایی به نام حسینیه و زینبیه بنا شد و یا تکیه‌ها به نام حسینیه تغییر نام یافتند. حسینیه جایی است که برای اقامه‌ی سوگواری برای ابا عبد... (الحسین ع) و اهل بیت پیامبر ساخته می‌شود. البته در حسینیه‌ها غیر از عزاداری، کارهای آموزشی، فرهنگی، جشن‌های مذهبی و جلسات دیگر هم برپا می‌شود.

نقوش و طرح‌های تزئینی خیمه یا پوش حسینیه‌ها

طرح اسلیمی

طرح اسلیمی، نقش پیچیده‌ای است که در همه‌ی هنرهای تذهیب گرفته تا معماری حضور دارد. این طرح‌ها همه‌ی اشکال گوناگون هنر اسلامی را تعمیم بخشیده است و در نمونه‌های هنر هندسی و یا فرم‌های ملهم از گل‌ها و گیاهان، و حتی کتیبه‌ها و خیمه‌هایی که صرفاً به مقاصد تزئینی و آرایشی اجراء شده و موتیف‌ها و شکل‌ها را شامل می‌شود. آن دسته از اشکالی که نام اسلیمی فرم‌های دو شاخه‌ای است که با طبیعتی خمیده و نرم، به‌عنوان معمولی‌ترین عنصر ویژگی بیانی هنر اسلامی است. این اشکال بیانگر عرصه‌ای از شکل‌های برگ نخل، اندام‌های گیاهان، شاخ‌ها و برگ‌ها و حتی به شکل سوسن و زنبق گسترده است. اسلیمی هنری است برخاسته از سایر هنرهای تجسمی ایران و گفته

مراسم محرم در ایران، در کنش متقابل خود با مجموعه‌ی فرهنگ، عناصر نمادین آن رابه خود گرفته و آن‌ها را از اندیشه‌ی پیشگام شیعه سرشار ساخته و باز به فرهنگ مردم پس داده است.

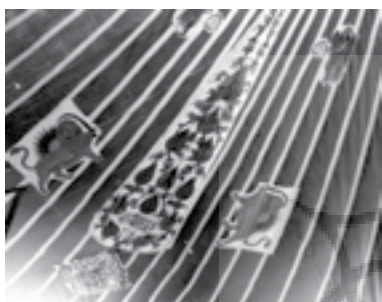
اما درباره‌ی نهاد و نشانه‌های نمادین. نشانه یعنی آنچه که ما را از خود آن چیز فراتر ببرد و به چیزی دیگر برساند. نشانه هدایتگر ما به چیزی جز خود آن چیز است، نشانه شامل سه جزء دال (خود نشانه)، مدلول (آنچه که از طریق نشانه به آن هدایت می‌شویم)، و (دلالت) وجه ارتباط دال و مدلول می‌باشد. نشانه ممکن است طبیعی یا قراردادی باشد، اما نشانه‌ای که در اینجا مورد نظر است نشانه‌ی فرهنگی است. «همان ۱۰-۱۱» (نشانه‌های فرهنگی، طیف وسیعی از ساده تا پیچیده را در برمی‌گیرد و نماد، صورت پیچیده نشانه‌ی فرهنگی است. نماد اغلب هاله‌ای از تقدس مذهبی و اسطوره‌ای برگرد خود دارد و با بنیادهای فرهنگ و دوردست‌های تاریخ زندگی انسان مربوط می‌شود. گستره مدلول نماد، نسبت به نشانه‌های ساده چشم‌اندازی وسیع‌تر و اغلب پر راز و رمز دارد. گاهی هم یک نشانه‌ی معین هر دو نقش را دارد. یعنی در جایی یک نشانه‌ی ساده فرهنگی است و در جایی دیگر، در پایگاه یک نماد می‌نشیند... به‌عنوان نمونه رنگ سبز در تعزیه نشان تبار پیامبر (ص) و امامان (ع) است، اما علاوه بر آن در فرهنگ سرزمین ما نماد و مظهر زندگی و سبزی است. نماد سر زدن دوباره‌ی حیات و نماد بالندگی جاودانه است.

مراسم ماه محرم، سرشار از نشانه‌های نمادین است که در دسته گردانی‌ها، در تعزیه (شبیه‌خوانی‌ها) و در دیگر آئین‌ها و رسم‌های معمول، در صورت‌های گوناگون و در قالب‌های شیئی، حرکت و رفتار، رنگ، صدا، زمان، مکان شخصیت و مانند این‌ها جلوه می‌نمایند. نشانه‌ی نمادین گاهی در قالب کلیت یک رسم می‌نشیند؛ و در مواردی جانمایه‌ی اعتقادی رسم یا مراسم، در پیوند با یک آرمان هدفمند و اندیشیده در این کالبد نمادین قرار می‌گیرد... از اینگونه می‌توان به توبق، علم، نخل، کتل و انواع پرچم‌ها و خیمه‌ها « (همان ۱۲-۱۱) در حسینیه‌ها اشاره نمود. (تصویر شماره ۴)



شیر و خورشید

«شیر و خورشید شکلی است مرکب از صورت شیری که در پنجه‌ی راست شمشیری دارد و بر پشت او آفتاب می‌درخشد. این علامت نشان رسمی دولت و رژیم ایران بوده‌است و پیشینه‌ی این نشان به روزگاران کهن مربوط می‌شود. با بیان این که از گذشته‌های دور، ایرانیان از خورشید به‌عنوان نماینده و مظهر خداوند و ميثاق و پیمان و زور و نیرو است، استفاده می‌کردند. در آثار به دست آمده از کشفیات باستان‌شناسی، صورت گاو که به دو شیر فائق آمده و بالای سر او مثلی هست دیده می‌شود. در قدیم ماه نشان زمستان با روزهای سرد و کوتاه و خورشید نشان تابستان با روزهای گرم و بلند بوده‌است. (تصویر شماره ۷)



تصویر شماره ۶



تصویر شماره ۷

از مجموع روایات چنین برمی‌آید که خورشید مظهر خداوند و شیر نشانه‌ی قدرت و اقتدار، هر دو به نوعی به شاهان مربوط‌اند. بنابر روایات بیرونی (آثارالباقیه) از آئین که ساسانیان در این روز [جشن مهرگان] برپا می‌داشتند این بوده که تاج بر سر می‌گذاشتند که صورت آفتاب بر آن بوده‌است پادشاهان هخامنشی بالای بارگاه خود صورت آفتاب را در قاب بلورین، به قدری بلند نصب می‌کردند که همه می‌توانستند آن را مشاهده کنند. در ایران باستان خورشید علامت اقتدار و سلطنت ایران به‌شمار می‌رفته‌است. و در میان انواع پرچم‌هایی که در شاهنامه مجسم شده، خورشید و شیر علامت خاص کسانی بوده‌است که از حیث مرتبت و مقام بر

می‌شود، که نقش تملیف‌کننده‌ی فضا و سطح کار را داشته که با نبوغ اساتید قلمزن و نقاش توسعه و شکل گرفته‌است. برخی دیگر بر این عقیده‌اند که نخستین تملیف‌های خودجوش خط، منشاء اسلیمی بوده‌است. شاید بتوان گفت که اسلیمی، هنری جوشیده از همه‌ی هنرهای پیرامون خود از خوشنویسی گرفته تا قلمزنی بوده‌است. فرم‌ها و نقوش اسلیمی به شیوه‌های خاص تجربه و متحول شده‌اند. این طرح را می‌توان برگرفته از شرق دور و برخی سمبول‌های اساطیر آنان دانست که البته هنرمند ایرانی آن را با مفهومی صرفاً زیباشناسانه و بصری به کار می‌گرفته‌است. اسلیمی حاشیه‌ی ترنجی که نقش خارجی آن دو خطه و نقش بعد از آن یک خطی ولی به موازات و در هماهنگی با آن است، به‌عنوان یک کار پایه‌ی اصلی و گاه با عناصر بیگانه‌ای چون عناصر فرهنگی چینی، گاه هندی ترکیب شده و در بخش‌های عمده‌ی پوش حسینیه‌ها با حرکت و ریتم‌های گوناگون تغییر شکل می‌دهد.

در طراحی سطح پوش حسینیه‌ها با حرکت و ریتم مناسب و در نظر گرفتن ترکیب کلی سطح کار، فضاهای خالی را با خطوط پیچکی اسلیمی می‌پوشاند. در زمینه‌ی تزئینات خیمه‌گاہ، شاهد شگرد استقلال خط، از متن هستیم با طرح‌هایی بدیع و تازه که بدون هیچ عیب و نقصی ترسیم گشته‌اند. نمونه‌ای که می‌تواند ایده حرکت تاریخی و دگرگونی‌های اسلیمی در طول زمان‌ها را بنمایاند، بخشی از یک قطعه‌ی پوش است؛ حدود ۵۰ سال پیش دوخته شده و تزئینات و نقوش آن بارها تغییر یافته تا تبدیل به نمونه‌ای این نمونه‌ی بی نظیر یا کم نظیر شود. این شکل هندسی توسط طرح‌های ساقه و گلبرگ و شاخه‌شاخه بهم پیچیده معمول، سمفونی لاله و سنبل، گل سرخ، میخک را آفریده و اشاعه می‌دهد فرم‌های شاخه‌شاخه تنها در زمینه باقی مانده‌اند. (تصویر شماره ۵)



تصویر شماره ۵

طرح ختائی

ختائی طرح ساقه‌ی گل است و نموداری از شاخه‌ی درخت یا بوته با گل و برگ و غنچه است. چنانکه اسلیمی نموداری از طرح درخت که تجرید یافته‌است، ختائی نیز در حقیقت طرحی ساده شده شاخه، برگ و گل می‌باشد که به ابتکار هنرمند از طبیعت انتزاع شده‌است و باید گل‌ها و غنچه‌ها و برگ‌ها و بندها را در بر بگیرد. و میان آن‌ها وحدتی ایجاد کند. ساقه‌ها درختان دارای پیچ و خم موزونند و معمولاً طرح ساقه ابتدا قوی‌تر است و آنگاه که ساقه ختم می‌گردد طرح ظریف‌تر و نازک‌تر می‌شود. طرح‌های ختائی هم‌مانند اسلیمی‌ها به تناسب فضا و طرح‌های هندسی روی سطح پوش بصورت موزن قرار گرفته که ریتم حرکت را تداعی می‌کنند. هنرمند برای پر کردن نقش یک درخت زندگی در زوایای باز و میدانی پوش خیمه‌ها و یایک کتیبه‌ی تذهیب، طرح‌های ختائی در مقابل سر ترنج بکار می‌گیرد. در بخش‌های دیگر پوش و خیمه‌ها در تکایا و پائین درخت زندگی به صورت گل و برگ کار می‌شود. (تصویر شماره ۶)

این نماد درخت زندگی و ترنج و گلدانی، به نشانه‌ی آسایش و آرامش در طول زندگی هر مسلمان در سایه‌ی ولایت سیدالشهداء (ع) است و برگرفته از قیام او می‌باشد تا بتوان در زیر خیمه‌ی پر فیض و برکت این خاندان زیست و در امان بود.

سرو

«سرو در اساطیر یونان نشانه‌ی سوگواری و اندوه از دست دادن یار است. هنگام سوختن خوش بو است و بدین علت مورد توجه بوده و از قدیم چوب و درخت آن را فنناپذیر و جاودانی تصور می‌کردند و در ساختن مجسمه‌ها و کشتی‌ها و گردونه‌ها مورد استفاده بوده است مثلاً کشتی نوح از چوب سدر یا سرو است و معبد دیانا نیز از چوب سرو بوده است. سرو درختی است راست قامت سربرافراشته، سینه‌ی آسمان را شکافته، اینک که جمال عشق عاشورا آشنا می‌کند، اینک که جمال سروگونه و راست قامت حضرت علی اکبر (ع) حضرت سیدالشهداء (ع) حضرت ابوالفضل (ع) و دیگر شهیدان شاهد که سینه‌ی نخل نصب شده به ناگاه راه را بر عبور دیده می‌بندد و عزادار عاشق را در بهشت ابدی فرومی‌برد. نقش سرو را می‌توان با حرکت درآوردن نخل ماتم به عنوان قامت ایستای عبا عبا... در تشیع نمادین پیکر مطهر حضرت سیدالشهداء در ظهر عاشورا مشاهده کرد.

سروها و نخل‌ها و همه‌ی علامت‌های روی سطح پوش خیمه‌ی امام حسین (ع) شاهدان مستند انتقال سینه به سینه‌ی هنر و فرهنگ ایرانیان مسلمان هستند و قرن‌هاست که حضور دارند و در هر کوی و برزن سروها در حسینیه‌های شهر کویری تاسوعا و عاشورای هر سال را به دیگر سال پیوند می‌دهد. درخت ایستاده‌ی سرو در دوره‌های نقاشی ایرانی گاهی ساده و بلند تصویر شده و گاهی این درخت به شکل شعله‌ور با همان رنگ سبز در تصاویر مینیاتور انعکاس یافته است شاید این شکل تأثیر گرفته از حالت شراره‌های آتش مقدس زرتشت باشد همانطور که چنین احساسی در کنگره‌های اطراف سرو نمودار شده است زیرا تقدس آتش و جاودانگی آن همراه با ماندگاری و قداست سرو در نزد ایرانیان به صورت نمودی از جاودانگی در این نقاشی‌ها متجلی می‌شود. نقشی که در شال‌های ترمه و قلمکاری اصفهانی دیده می‌شود شکل سروی است که نوک آن بر اثر وزش باد خم شده باشد و این نشانگر آن است که از روزگار کهن مردم بدین درخت توجه خاص داشته‌اند. سرو راست قامت و

مقدس از دیرباز علامت خاص ایرانیان بوده است مطابق روایات ایران زرتشت این درخت را از بهشت آورد و نزدیک در آتشکده کاشت.

سرو سه‌ی، که دو شاخه‌اش راست باشد، سروناز که شاخه‌هایش متمایل است، سرو آزاد که چون شاخه‌های آن راست رسته و با چون از قید کجی و ناراستی و پیوستن به شاخ درختان دیگر فارغ است به این نام خوانده شده است.» (یا حقی، ۱۳۷۵: ۲۴۵) (تصویر شماره ۸)



تصویر شماره ۸

طاووس

«این پرنده در میان سایر پرندگان از جهت ارجمندی و زیبایی مانند اسب است در میان چهارپایان، پر طاووس به خصوص جنس پر آن به زیبایی و پای آن به زشتی معروف است به همه‌ی زیبایی او را به فال بد می‌گیرند و شاید سبب آن باشد که او را سبب دخول ابلیس به بهشت به هنگام فریفتن آدم و حواء دانسته‌اند. وقتی آدم، در بهشت، درخت کاشت ابلیس در پای آن، طاووس سر برید و آن درخت از خون این پرنده آبیاری شد.» (تصویر شماره ۹)

برخی از مفسرین یکی از چهار مرغی که ابراهیم (ع) کشت؛ طاووس دانسته‌اند که به عنوان مظهر زیبایی و زینت انبیاء کشته شد.» (یا حقی، ۱۳۷۵: ۲۹۲)



تصویر شماره ۹

فرشته

«در زبان‌های کهن ایران، سروش و در عربی ملک و هاتف گفته می‌شود؛ گفته می‌شود موجودی لطیف و نامرئی است که در غالب ادیان وصف آنان آمده در آئین یهود فرشتگان واسطه‌ی میان خدا و جهان مادی هستند و در کتاب مقدس چندین بار از آن‌ها یاد شده است آن‌ها ملکوت آسمانی خداوند را تشکیل می‌دهند و به منزله‌ی بندگان هستند که اوامر خدا را در زمین اجرا می‌کنند، در انجیل هم چندبار از آنان نام برده شده و کاتولیک‌ها معتقد بودند فرشتگان موجوداتی مجرد از ماده هستند و آفرینش ایشان پیش از انسان صورت پذیرفته است و دارای سلسله مراتبی است و محافظ انسان هستند. در فرهنگ اسلام فرشتگان دسته‌ای از مخلوقات پروردگار است که هر گروه و دسته‌ای از آن‌ها طبق برنامه و روی نظم خاصی به انجام وظایف خود مشغول هستند.» (یا حقی، ۱۳۷۵: ۳۲۲)

کبوتر

«کبوتر پرنده‌ای است خوش پرواز و سبکبال که دارای انواع متعدد است کمترین روایات درباره‌ی کبوتر به زمان حضرت نوح مربوط می‌شود.

وقتی کشتی نوح بر کوه جودی نشست و زمین مقداری آب را بر خود فروکشید نخست حضرت نوح (ع) زاغ را بر فرستاد تا بنگرد قدر آب در زمین مانده است اما چون زاغ به مردار خواری مشغول شد





تصویر شماره ۱۰

- ۵- اقدمیه، هادی (۱۳۷۲) اسلامی و خطایی، تهران، فرهنگسرای یساولی.
- ۶- آغداشلو، آیدین (۱۳۵۶) هنر ایران، بنیاد همدی.
- ۷- اخوتی، محمدرضا (۱۳۷۰) مراسم عزاداری در یزد، پایان نامه، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد.
- ۸- پاس، فکور (۱۳۷۳) عزاداری در یزد، پایان نامه، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد.
- ۹- جانب الهی، محمدسعید (۱۳۷۹) رابطه‌ی مکان‌گرایی و وفای اجتماعی در آیین‌های سوگواری محرم، مجموعه مقالات نخستین همایش محرم، تهران، میراث فرهنگی.
- ۱۰- چگنی‌زاده، مسعود (۱۳۷۰) تکایا و حسینیه‌های یزد، پایان نامه، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد.
- ۱۱- چکسلوویسکی، پترچی (۱۳۶۷) تعزیه‌ی هنر بومی در ایران، داوود حاتمی، تهران، علمی و فرهنگی.
- ۱۲- خراسانی، حاجی ملاحاشم (۱۳۳۷) منتخب‌التواریخ، تهران، علمیه‌ی اسلامی.
- ۱۳- رستگار فسایی، منصور (۱۳۶۵) ازدها در اساطیر ایران، شیراز، دانشگاه شیراز.
- ۱۴- عناصری، جابر (۱۳۶۶) نمایش و نیایش در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی.
- ۱۵- قمی، شیخ‌عباس (۱۳۶۲) منتهی‌الامال، تهران، مطبوعات حسینی.
- ۱۶- کبانی، محمدیوسف (۱۳۶۵) نظر اجمالی شهرنشینی و شهرسازی در ایران، تهران، ارشاد اسلامی.
- ۱۷- محدثی، جواد (۱۳۷۶) فرهنگنامه‌ی عاشورا، قم، نشر معروف.
- ۱۸- محدثی، جواد (۱۳۷۸) فلسفه‌ی عزاداری، تهران، انتشارات وثوق.
- ۱۹- موسوی، جعفر (۱۳۷۷) امام حسین (ع) چشمه‌سار اعجاز، تهران، انصاری.
- ۲۰- ماسه، هانری (۱۳۷۵) معتقدات و آداب ایران جلد ۱، مهدی روشن ضمیر، تبریز، موسسه‌ی تاریخ و فرهنگ.
- ۲۱- مالکی، شهریار (۱۳۷۲) اسلامی و خطایی، تهران، فرهنگسرای یساولی.
- ۲۲- میرشکرایی، محمد (۱۳۷۹) محرم و نشانه‌های نمادین، مجموعه مقالات نخستین همایش محرم تهران، میراث فرهنگی.
- ۲۳- ملک‌ثابت، محمدحسن (۱۳۷۴) محرم و پوش، پایان نامه، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد.
- ۲۴- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵) فرهنگ اساطیر، تهران، صدا و سیما.
- ۲۵- نجفی، ناصر (۱۳۷۰) کارالغله‌ی تهران، تهران، امیرکبیر.
- ۲۶- هماونی، صادقی (۱۳۷۵) تعزیه در ایران، شیراز، نوید شیراز.

و برنگشت، کبوتر را فرستاد، کبوتر بیامد و بر زمین نشست و پای در آب نهاد، از شوری آب، موی از پایش بریخت و پایش سرخ بهاند، کبوتر پیش نوح آمد و گفت مقداری آب در زمین مانده است و نوح کبوتر را دعا کرد بنا بر روایات دیگر:

روز هفتم پس از طوفان نوح کبوتر را گسیل کرد و آن کبوتر شاخه از درخت زیتون به همراه خود آورد. در روایات دیگر با یک برگ انجیر در منقار و مقداری خزه در پای، برگشت و به پاداش این کار اهلی شد و طوق به او عطا گردید و این نخستین استفاده‌ی انسان از کبوتر بود. شاید تحت تأثیر وظیفه‌ای که در سرگذشت نوح به کبوتر داده شده بود در بسیاری از فرهنگ‌ها، و از آن جمله فرهنگ ایران از وجود کبوتر به عنوان پیک و نامه بر مقاصد باد شده است. به ویژه اسطوره‌های کهن نشان می‌دهند که کبوتر را پیک نامه‌ی نامیده‌اند و مجسمه‌هایی که از کبوتر و قمری در خوزستان و جاهای دیگر ایران پیدا شده است همگی رمزی از ناهید است.» (تصویر شماره ۱۰)

چون گردآرد خانه‌ی کعبه و حرم پیامبر و ائمه (ع) کشتن و آزار رساندن آدمی بر حیوانات حرام است بسیاری از کبوتران به این اماکن متبرکه پناه می‌برند و از نیازها و نذورات زوار این اماکن مقدسه در مأمّن حرم تن می‌پروراند. این گونه کبوتران که به علت مجاورت با حرم، شکارشان ممنوع است به کبوتر حرم معروف و مرسوم اند (یا حقی، ۱۳۷۵: ۳۴۷).

نتیجه‌گیری

یکی از نکات بسیار مهم که قابل تأمل در ماه محرم است مشارکت و همیاری مردم در اجتماعات می‌باشد یعنی با فرارسیدن ماه محرم افراد هر محله جمع شده و در برپا کردن خیمه در تکایا و حسینیه‌ها و حتی منازل و نصب کتیبه‌ها و فرش‌ها در زمین و دیوار آن آذین بندی می‌کنند، چرا که شرکت در این امور را واجب و نشانه‌ی اظهار وفاداری به اهل بیت خصوصاً حضرت امام حسین (ع) می‌دانند.

به گفته‌ی ابن اثیر از سده‌ی دهم در شهر بغداد برای مراسم محرم خیمه‌ها برافراشته می‌شدند. این خیمه‌ها در ظاهر امر، ساده و گاهی با نقش‌های تزئینی همراه است ولی کم‌کم تأثیرات زیادی پیدا کرد و با عناصر و شکل‌های برگزیده از مسائل حیاتی و زندگانی مردم توأم با مسائل عاشورا عجین شده برای مثال: سرو که بلند است و نماد جاودانگی که ماندگار و زیباست و همیشه سرسبز، صفت آزادگان شمرده شده است. در روزهای برگزاری مراسم عزاداری در حسینیه‌ها این وقایع و نهادها همراه با عزاداری نمایش داده می‌شود. به خصوص از دید تصویری، تردد رنگ‌های آبی، فیروزه‌ای و سبز و نوشتارها در این فضا به عنوان موجودی پویا سراسر فضای حسینیه‌ها را پرمی‌کند و حالت جاودانگی و معنویت مراسم را به مراتب می‌افزاید. فرم‌های منحنی و گنبدی شکل با آن کتیبه‌های عمودی و افقی که تکرار شده‌اند، نوعی اتصال را میان آسمانیان و زمینیان برقرار می‌کنند در هر حال خیمه که راز و رمزی است از سیدالشهداء (ع) و نشانه‌ی قیام خونین و آزادی است و در ورای تمام این نظریات و گفته‌ها هر ساله واقعه‌ی شهادت سالار شهیدان رازنده می‌کند.

آنچه می‌توان بیان کرد اینکه، با بررسی نقوش روی پوش و ارتباط آن‌ها با یکدیگر به پیوند مفاهیم آن با فرم و فضا دست پیدا می‌کنم. هنر ایرانی مبتنی بر تزئین است و وجود رابطه‌ی هنری و تجسمی محکمی است بین ساخته‌هایی از بشر که در تمامی آن‌ها حالت نیایش برقرار و مجسم بوده و اصولاً بدین منظور ساخته شده است. از این دست می‌توان از ساخت سر در مساجد، گنبدها، طاق‌نماها و نقاشی روی خیمه‌ها نام برد. این سیر در نهایت در به وجود آمدن فرم و شکل شیر، فرشته، کبوتر، سرو، طاووس، اثر داشته است. این تداخل شکل و رنگ و وحدانیت آن در بنای، تکایا و حسینیه‌ها و در نهایت در پارچه‌هایی که به همین رنگ بر سقف خیمه و حواشی آن نصب می‌شود، حالتی معنوی را بیان می‌کند. دید بصری و تجسم انسان با رنگ‌ها و فضاهای مذهبی نوازش می‌یابد و زیبایی در اینجا محصولی است که هر هنرمند را به تأمل وامی‌دارد ■

منابع:

- ۱- آیت‌اللهی، علیرضا (۱۳۷۹). قدرت سنتی و سازمان غیررسمی آیین‌ها و مراسم محرم در شهر یزد، مجموعه مقالات نخستین همایش محرم، تهران، میراث فرهنگی.
- ۲- احمدی، محمد (۱۳۷۵) محرم و مردم‌شناسی، پایان نامه، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد.
- ۳- افشار، ایرج (۱۳۵۴) یادگارهای یزد جلد ۲، تهران، انجمن ملی.
- ۴- آیتی، عبدالحسین (۱۳۱۷) تاریخ یزد، یزد، گلپهار.